

## مؤلفه‌های اساسی در مدیریت دینی (مطالعه موردی: حکومت نبوی)

سیداحمد میرحسینی \*

استادیار گروه الهیات، دانشکده فقه و فلسفه پردیس قم، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۸۵/۳/۲، تاریخ تصویب ۸۵/۵/۲۱)

### چکیده

نظر به اهمیت جایگاه مدیریت در تاریخ بشر و ادیان آسمانی و بالاخص در دین مبین اسلام، بی‌تردید یکی از زیباترین جلوه‌های مدیریت متعال که از دیربازی و تحول آفرینی برخوردار است، مدیریت نبوی است که با اندیشه توانمند و افق دورنگر حضرت پیامبر اعظم اسلام پایه‌گذاری شد. در این مقاله درصدد تبیین مؤلفه‌های اساسی این مدیریت سیاسی و فرهنگی هستیم که در مدل مفهومی ارائه شده به سه بعد فردی، کلان و اجتماعی - فرهنگی و مؤلفه‌های چهارده‌گانه آن پرداخته شده است. ضمن تبیین مختصر هر کدام از آن‌ها مواردی به صورت مطالعه موردی نیز اضافه می‌گردد تا مبانی یاد شده برای خواننده ملموس‌تر و مصدق‌تر ارائه گردد. در بخش نتیجه نیز راهکارهایی برای اقتباس کارآمد از این مدیریت ارائه شده است.

### واژگان کلیدی:

مدیریت دینی، مدیریت سیاسی، حکومت نبوی، مدل مفهومی مؤلفه‌ها مدیریتی.

## مقدمه

مدیریت در حقیقت دستاوردی بشری، دینی، اجتماعی و فرهنگی است که وامدار تجارب بشر در طول تاریخ و ادیان بوده است و ظهور حقیقی و واقعی آن در حوزه روابط انسانی و تعامل انسان‌هاست و کارکرد مصطلح و تعریف شده و عمده آن همانا برخورداری افزون‌تر انسان‌ها از سعی و تلاش فرد و جمع در قالب وظایف شخص و در محورهای معین و مولفه‌های تعریف شده است. از این رو در تعالیم مکتب مرفعی اسلام که آیینی دارای ابعاد اجتماعی و کاربردی است، تبیین جایگاه مدیریت و طرح مباحث آن یک ضرورت تام به شمار می‌آید. این مهم زمانی ضرورت بیش‌تری می‌یابد که محوریت را به مدیریت رسول اعظم (ص) بدهیم. از منظر سبک شناسی، مدیریت این مدیر جاودان تاریخ، دارای مولفه‌های اساسی مدیریت فطری است و در حقیقت این ارزش‌های الهی مدیریت دینی وامدار مدیریت کلان آن حضرت است. برای تبیین چنین الگویی از مدیریت، ضرورت تام دارد تا ضمن اختصار بحث آن را در قالب یک مدل مفهومی مطرح سازیم. این مقاله با ارائه این مدل مفهومی به بررسی ابعاد و محورهای آن پرداخته است.

## بیان مسأله

یکی از ابعاد اساسی در سیره و مدیریت اجتماعی و سیاسی پیامبر عظیم الشان اسلام (ع)، تأسیس حکومت سیاسی و نوعی مدیریت نوین برای اداره امور مختلف زندگی مردم در جهت رسیدن انسان کمال الهی است که بعد از هجرت به مدینه و فراهم شدن شرایط و فرصت این مهم انجام شد. هر چند قبل از هجرت و همان دوران سراسر همراه با محدودیت در مکه نیز به صورت غیر رسمی انتظام سیاسی و هماهنگی لازم در اجرای امور تازه مسلمانان وجود داشت. تعیین و خط مشی‌گذاری مأموریت‌ها و تفکیک سمت‌ها و وظایف هر کدام به طور رسمی بعد از استقرار مسلمانان در مدینه آغاز گردید و از طرفی دیگر حکومت‌ها و دولت‌ها در دنیا هر

کدام شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی دارند که بیش‌تر به آن شناخته می‌شوند و نه تنها در زمان حکومتشان، بلکه بعدها در تاریخ، آن‌ها را با همان خصوصیات یادآوری می‌کنند. به طور مثال: سابقه لیبرالیسم در برخی حکومت‌های گذشته و امروز دنیا هنوز کاملاً خودنمایی می‌کند. همچنین دموکراسی ادعایی و یا واقعی در برخی حکومت‌ها می‌درخشد. محدود نگر و خویشاوند مداری در بعض حکام چنان جلوه گر شده بود که در انتخاب کم‌ترین منصب‌ها، رسماً اولویت با خویشاوندان و نزدیکان آنان بود و نیز عدالت پروری و ظلم ستیزی در بعضی حکومت‌ها ضرب‌المثل شده است؛ چنان‌که انوشیروان را به عدالت توصیف می‌کنند و در میان حکام بنی امیه راجع به عمر بن عبد العزیز، نمونه‌هایی از عدالت خواهی او ثبت شده است. البته آنچه غالباً در حکومت‌های مختلف دنیا در گذشته و حال وجود دارد، این است که یا شاخصه‌های منفی و منافی انسانی در آن‌ها بیش‌تر است و یا در فرض وجود جنبه‌های مثبت، تنها موارد محدودی وجود دارد و این که حکومت‌های بشری همه شاخصه‌های مثبت حاکمیت انسانی را داشته باشند، آن هم به نحوی که در قلمرو حکومت خود، تربیت انسان‌ها را از جهت مادی، معنوی، دنیوی و اخروی اصل قرار دهند، سراغ نخواهیم داشت؛ اما در حکومت انبیا و پیامبران معصوم عموم ارزش‌های واقعی در راستای تربیت جامع انسانی وجود دارند و کامل‌ترین این نوع حاکمیت را در همان دوران محدود، حاکمیت آخرین فرستاده خداوند حضرت محمد بن عبدالله (ص) می‌توان پیدا کرد.

### مؤلفه‌های اساسی

در تشکل مدیریت و نظام منتسب به آن حضرت، طبق شواهد مستند در نص آیات قرآن کریم و بیانات ائمه معصومین خاصه امیر المومنین (ع) و سیره و سنت خود پیامبر (ص) که در منابع تاریخی ضبط شده است، شاخصه‌هایی وجود دارند که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:

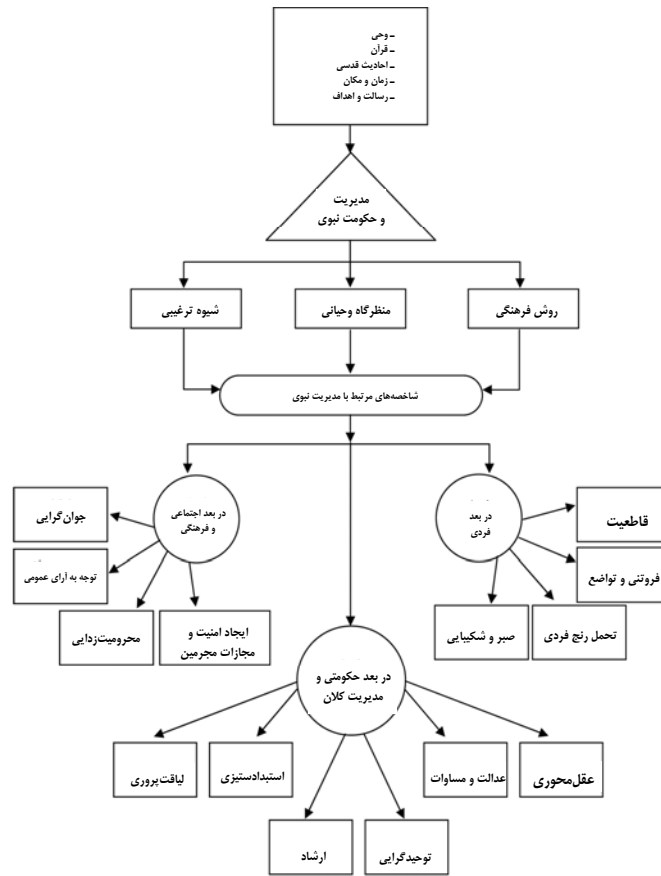
۱. حاکمیت بر محور توحید و یگانه پرستی؛
۲. شدت و قاطعیت در برخورد با کفار و دشمنان راه خدا و متقابلاً رحمت و مهرورزی با خودی‌ها؛

۳. عدالت محوری و ظلم ستیزی؛
۴. عقل محوری و اندیشه پروری؛
۵. محرومیت زدایی؛
۶. توجه به آرای جمعی و شور و مشورت؛
۷. فروتنی و تواضع در راستای اهداف الهی؛
۸. حساسیت نسبت به دوره جوانی و توجه خاص به جوانان؛
۹. حاکمیت و تحمل رنج‌ها در کنار مردم، بلکه در صف مقدم بودن؛
۱۰. استقامت و صبر در راستای هدف؛
۱۱. اهتمام به ارشاد در مسیر سعادت؛
۱۲. استبداد ستیزی و در مدیریت و فرماندهی؛
۱۳. تنبیه متخلفین و کارشکنان از طریق فرهنگ سازی (امنیت سازی)؛
۱۴. مدیریت بر مبنای لیاقت پروری.

موارد فوق بخشی از عمده ترین ویژگی‌ها در نظام مدیریتی و حکومتی رسول اکرم(ص) است. در این مقاله به طور فشرده راجع به هر مورد با ذکر مستندات آن بحث خواهد شد و با توجه به موارد یاد شده در حکومت نبوی، به این پرسش می‌توان پاسخ داد که آیا در هیچ مقطع از زمان، حاکمی و یا مدیری بر مردم حکومت کرده که در حکومت و مدیریتش همه جهات ایده‌آل و مطلوب انسانی را رعایت کرده باشد و آیا چنین چیزی امکان دارد؟ با اثبات و تقریر چنین وضعیت مشخص می‌شود که تحقق این امر در دایره وسیع و همه جانبه از سوی شخص معصوم ممکن خواهد بود. (هرچند در زمانی محدود). به عنوان نمونه، حکومت سراسر عدل فرزند همین پیامبر(ص)، یعنی حضرت ولی عصر (عج) با همین خصوصیات قابل تحقق خواهد بود.

- 
- 1 . Justice
  - 2 . Intellectualism
  - 3 . Consultation
  - 4 . Sovereignty
  - 5 . Persistence
  - 6 . Guidance
  - 7 . Management
  - 8 . Commanding

مدل ۱: مدل مفهومی (ابعاد مؤلفه‌های ) مدیریت سیاسی رسول اعظم اسلام (ص)



### ۱. حاکمیت بر محور توحید و یگانه پرستی

عمده‌ترین ویژگی در حکومت‌های دینی و به طور مشخص در حاکمیت معصومین (به فرض تشکیل حکومت از سوی آنان) همین ویژگی است که تمام سیاست‌ها و عملکردها در جهت اراده و خواست خداوند می‌باشد و به طور شاخص این شیوه در حاکمیت پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در همه مسائل هویدا است. رهبری، امروزه یکی از مفاهیم مهم در مباحث مربوط به سازمان و مدیریت می‌باشد. به نحوی که این مهم در طول قرن بیستم و تا سال ۱۹۹۵ بیش از سی هزار تحقیق، و گزارش و مقاله علمی را به خود اختصاص داده است. (دوبرین، ۱۹۹۵، ص ۱۶۶) این روند در حکومت‌های دینی و خصوصاً محوریت توحید و رهبری کردن، به لحاظ

زیر بنای فلسفی حکومت است؛ چرا که در دیدگاه توحیدی، تمام عالم معلول و مخلوق خداوند است و بر این اساس، خداوند نسبت به همه مخلوقات سلطه و ملکیت واقعی خواهد داشت. این نوع سلطه در غیر خداوند قابل تصور نیست و این خداوند است که تکویناً مالک و حاکم و مسلط بر همه امور است و سلطه و حاکمیت غیر خداوند در این عالم از هر کس که باشد یا اصلاً اعتباری و قراردادی است یا اگر در موردی هم تکوینی باشد (مثل آن چه در ولایت معصومین مطرح است)؛ در طول همان ولایت الهی و شعاعی از همان ولایت است، و چون خداوند مالک و حاکم علی الاطلاق بر همه موجودات و انسان است، حق تصرف در همه عالم و من جمله وجود انسان اولاً و بالذات از خداوند خواهد بود و هیچ کس بدون اراده و اجازه الهی حق حکومت بر انسان را نخواهد داشت. بیان مذکور مبنای عقلی و فلسفی هم دارد. در همین رابطه است که همان روز های اوّل و آغاز دعوت علنی اسلام وقتی پیامبر اسلام (ص) با پیام مشرکین مواجه می شود که از سوی آنان به تصور باطل خودشان خواستند حضرت را وادار به سازش نمایند؛ حضرت به ابوطالب یعنی ابلاغ کننده پیام فرمود: «تنها یک سخن را از من بپذیرند تا بر عرب پادشاهی یابند و عجم به دین آنان درآیند».

ابوجهل گفت: «حاضریم ده کلمه بپذیریم».

رسول خدا (ص) فرمود: «گفتن لا اله الا الله و ترک بت پرستی» (جعفریان، ۱۳۷۳، ص ۲۰۱). همه برنامه ها و حرکت های آن حضرت بر همین اساس تنظیم شده بود و برای هیچ آشنای به مرام اسلام، این مطلب قابل تردید نیست؛ چنان که در اولین بند از بیعت معروف به بیعت عقبه فرمود: «بایعونی علی ان لا تُشْرِكُوا بِاللّهِ شَيْئاً...» (بخاری، بی تا، ص ۱۲).

## ۲. قاطعیت و ثبات

از خصوصیات آن حضرت این است که در همه مسائل سیاسی و اجتماعی (در سخت ترین روزها و لحظات همانند روزهای سخت مکه قبل از هجرت و یا دوره های استحکام و قدرت سیاسی اسلام در مدینه) رفتاری متعادل و یکسان و در عین رأفت و گذشت قاطعیت خاصی روی مواضع اصلی داشته اند و این همان نگاه استراتژیک است که از مفاهیم محوری به شمار می رود و فرایندهای مدیریتی دیگر را در قالب هدف قاطع تعریف می کند (لاک و لاثام، ۱۹۹۰، ص ۱۶۰). آن حضرت در مقابل دشمنان کینه توزی که زمینه پذیرش حق در آنان نبود، کم

ترین ملاحظه کاری که نشان از کوتاه آمدن در رسالت و امر الهی باشد، نداشت و همان‌طور که قرآن کریم در وصف پیروان آیین آن حضرت و مسلمین ذکر نموده (و شاخصه‌های این وصف خود پیامبر بود): «اشدء علی الکفار و رحماء بینهم» (فتح، ۲۹)؛ ولیکن نسبت به اهل ایمان، رأفت و عطوفت و گذشت فوق العاده داشت؛ چنان‌که در تاریخ آمده است: حضرت در مقابل ابوجهل و یارانش که از منسوبین عهد بودند، در جهت هدف و عقیده کوتاه نیامد و همه ناملازمات آنان را تحمل فرمود، و قاطعانه به آنان جواب رد داد؛ ولی در مقابل کسانی که حتی زمینه پذیرش حق در آنان احتمال داده می‌شد، کریمانه برخورد می‌فرمود. ورود کسانی مثل حاتم طائی در محضر آن بزرگوار با این‌که هنوز ایمان نیاورده بود و احترام و رأفت آن حضرت نسبت به او، دلیل بر این ویژگی است. اگر کسی بگوید این وضعیت مربوط به مسائل شخصی و ویژگی‌های آن بزرگوار است و به عملکردهای حکومتی و سیاسی ربطی ندارد، در پاسخ باید گفت: این رویه عام پیامبر در همه زوایای زندگی و عملکردهای حضرت بوده است؛ و چنان‌که در سوره مبارکه کافرون حضرت به این‌گونه مخاطب قرار می‌گیرد:

«قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبدون...»

این منش حکایت از نوع حرکت و عملکرد آن حضرت در همه مسائل است. البته آنچه راجع به قاطعیت و عدم گذشت اولیای معصوم الهی و پیامبر بزرگوار اسلام (ص) مطرح است، همیشه در رابطه با حدود و مقررات الهی و یا حقوق مربوط به مخلوقات الهی است و آلا در رابطه با حقوق شخصی، آن‌چه از سیره آنان به دست می‌آید، این است که حتی با سرسخت‌ترین دشمنان خود اهل عفو و گذشت بودند؛ چنان‌که بعد از فتح مکه به تصور بعضی باید برای رسول خدا (ص) روز انتقام از آن همه صدمات مربوط به مشرکین علیه حضرتش باشد و شعار انتقام زمزمه شد؛ اما حضرت فرمود: «الیوم یوم الرحمه» و بدین ترتیب سیره معصومانه خود را در برخورد با دشمن شکست خورده بعد از غلبه و پیروزی بر جهانیان اعلام فرمود.

این نکته گویای اشراف جامع حضرت رسول مکرم اسلام بر اصل تشویق و تنبیه است و کامل‌ترین شکل آن را در حکومت و مدیریت رسول اعظم شاهد هستیم (انصاری و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶). این همان قدرت ممتاز تشخیص رهبر است. همچنین اگر چه بسیاری مدعی‌اند که می‌توانند سکاندار کشتی مدیریت و حکومت جامعه را داشته باشند؛ اما روشن

است که برای طراحی و نشان دادن راه رسیدن به ساحل مقصود، وجود رهبر لازم است.

### ۳. عدالت محوری و ظلم ستیزی

در برخی از آیات قرآن کریم راجع به بعثت همه انبیای الهی اقامه قسط و اجرای عدالت به عنوان یکی از اهداف عالی و اولیه عنوان شده است.

اقامه مردم بر قسط و عدل، یک جریان ملازم با سیاست و اعمال حکومت است و از این آیات شریفه نمی توان صرفاً ترغیب و توصیه اخلاقی در جهت عدالت را برداشت نمود. توجه به این مقصود در تشکل سیاسی صدر اوّل اسلام و حکومت نبی اکرم(ص) در بالاترین حدّ خودنمایی می کند. گذشته از آیاتی که در قرآن کریم به نحو عام، در مذمت ظلم و ظالمین و تعریض علیه آنان و ستایش عدالت است، شخص پیامبر(ص) در همه ابعاد قرآن مجسم و عینی می باشد و مرام و زندگی او علیّ الدوام قرآنی است. رفتار و برخورد آن بزرگوار در جزئی ترین موارد نیز شاهد بر همین مطلب است؛ بخصوص در برخوردهای سیاسی آن حضرت مواردی وجود دارند که گویای همین شیوه می باشند، از قبیل: طبق نقل تفسیر نمونه به رسول خدا(ص) خبر رسید که یکی از فرماندارانش رشوه ای در شکل هدیه پذیرفته است. رسول خدا(ص) او را بر این مطلب توبیخ فرمود و او عذر آورد که آن چه گرفته، هدیه بوده است، نه رشوه. پیامبر(ص) جمله ای به این مضمون به او فرمود که آیا اگر بدون منصب و سمت در خانه می نشستید برای شما چنین هدیه ای می آوردند؟ و شخص را از آن منصب عزل فرمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۴). در جریان مذکور هر چند بحث مربوط به رشوه است و عملکرد ظالمانه دیگری از ناحیه آن والی مطرح نشده است، اما همین مقدار که مأمور حکومتی و صاحب منصب چیزی دریافت کرده که شاید در نظر خود او هدیه هم بوده است، ولی چون پذیرش چنین اموری، شخص صاحب قدرت را در معرض ظلم قرار می دهد، حضرت چنین قاطعانه برخورد نموده و حتی او را از کار برکنار می نماید. همچنین اهتمام به حمایت مظلومین در تاریخ زندگی آن حضرت حتی در دوران قبل از بعثت و جریان معروف حلف الفضول بر کسی که کمترین اطلاعی از تاریخ اسلام داشته باشد، مخفی نیست. مردی از قبیله بنی زبید کالایی به عاص بن وائل فروخت و عاص کالا را تحویل گرفته و بهای آن را نمی داد. مرد زبیدی بالای کوه ابوقبیس رفت و فریاد برآورد: ای مردان قریش! به داد ستم دیده ای دور از طایفه و کسان خویش برسید. پس بنی هاشم و بنی مطلب بن عبد مناف و بنی زهره بن کلاب و بنی تمیم بن مرّه و بنی حارث بن فهر در خانه عبدالله بن حدیمان تمیمی فراهم شدند و پیمان



بستند که برای یاری هر ستم‌دیده و گرفتن حق وی همدستان باشند و اجازه ندهند که در مکه به احدی ستم شود. رسول خدا(ص) بیست ساله و به قول یعقوبی از بیست سال گذشته بود که در حلف الفضول شرکت کرد.

از رسول خدا(ص) روایت شده که بعد از بعثت و هجرت به مدینه فرمود:

«لَقَدْ شَهِدْتُ حَلْفًا فِي دَارِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَدْعَانَ لَوْ دَعَيْتَ إِلَيَّ مِثْلَهُ لَأَجَبْتُ وَمَا زَادَهُ إِلَّا شِدِيدًا» (گرجی، ۱۳۶۹، ص ۶۶). در عبارت فوق اهمیت این پیمان ظلم ستیزی برای رسول خدا به اندازه‌ای از اهمیت و درجه مطرح است که بعد از بعثت هم می‌فرماید: اگر به مثل آن پیمان دعوت شوم، آن را دوست می‌دارم. اسلام در چنین پیمانی تصرفی نکرده، مگر این که به تقویت آن دستور داده است. این مهم در مدیریت جدید نوعی استراتژی سودمند برای دستیابی به اهداف بلند مدت است (دیوید، ۱۹۹۵، ص ۱۰۳).

وجه معروفیت پیمان مذکور به «حَلْفِ الْفُضُولِ» ظاهراً این باشد که همه پیمان‌ها و سوگندهای آن دوران بر مبنای حمایت از همخون و ژن محوری بوده است؛ اما این پیمان امری اضافه بر همه آن‌ها، یعنی بر اساس حمایت از مظلوم است، ولو از قبیله مدافعین و همخون با آن‌ها نباشد.

#### ۴. عقل محوری و اندیشه ورزی

در برخی حکومت‌ها برای اعمال قدرت و نفوذ در عامه مردم از بی خبری و عدم آگاهی آنان استفاده می‌کنند و خلاصه جهل مردم را وسیله استمرار حکومت خود می‌دانند؛ اما در حکومت‌های الهی و دینی عموماً مسأله بر خلاف این معناست و حاکمیت بر مبنای رشد عقلانی و فهم مردم تکیه می‌کند. بر این اساس، هرگونه جهل ورزی در این نوع سیستم حکومتی، محکوم است. در سیره و شیوه حکومتی پیامبر عالیقدر اسلام(ص) بکرآت این مسأله مشخص شده است. از طرفی نیز عقیده بر این است که هر قدر هدف، چالشی‌تر و مشکل‌تر باشد، انرژی بیش‌تری را از فرد طلب می‌کند (کرایتنر و کینیکی، ۱۹۹۸، صص ۲۳۸-۲۳۷). این که در تاریخ سیاسی صدر اسلام، حتی فدیه آزادی بعض اسرای کفار، سواد آموزی به افرادی از مسلمین ذکر شده و نیز تأکیدات قرآن کریم بر مسأله تعقل و اندیشه فهم و علم...دلیلی بر اثبات همین مدعاست.

هرگونه خرافه گرایی در آیین مقدس اسلام مردود است. در تاریخ زندگی پیامبر(ص) حتی آن‌جا که از جهت سیاسی، می‌تواند خرافه را زمینه ای برای تقویت جایگاه خود قرار دهد و

گرفتن خورشید را در هنگام وفات فرزندش ابراهیم بر مبنای تصورات واهی قوم نشانه عظمت خودش و فرزندش تلقی نماید، رسماً بر خلاف این تصور اقدام می‌نماید و بالصراحه عقیده باطل آنان را گوشزد می‌فرماید.

باز در این موضوع، وجود اقدس آن حضرت را در سراسر زندگی، حتی در دوران طفولیت (و زمانی که تحت سرپرستی حلیمه سعدیه به سر می‌برد) مبرأی از باطل‌گرایی و هر امری که خلاف منطق و عقل است می‌یابیم. در آن زمان وقتی که حلیمه طبق معمول عقیده قبیله برای دفع شر، می‌خواهد مهره ای بی محتوا بر گردن حضرت بیاویزد، حضرت با این عمل برخورد می‌کند.

#### مطالعه موردی

به عنوان نمونه، آن‌گاه که حضرت فرماندهی را همراه سپاه به منطقه‌ای اعزام می‌کند و فرمانده افراد سپاه را وادار به ورود در آتش می‌نماید. آن‌گاه که خبر به پیامبر (ص) رسید، به آنان که قصد ورود به آتش داشتند وعده ایمنی از عذاب آتش را مطرح فرمود و جمع مخالف را ستایش نمود (نسائی، بی تا، ص ۱۵۹).

همه موارد مذکور گویای آن است که رسول خدا (ص) با هر نوع جریان نامعقول و خرافی شدیداً مخالفت فرموده است.

#### ۵. محرومیت زدایی

یک فرض باطل در قلمرو مدیریت و حکم‌رایی، ایجاد حلقه‌های محرومیت در برخی طبقات اجتماعی است تا میزان تسلط و کنترل آن‌ها بهتر باشد. در برخی حکومت‌های خودکامه نیز این سبک مدیریت تجربه شده است. گاهی شنیده می‌شود که برای بعضی حکام، ضعف و ناتوانی و حتی گرسنگی رعیت مطلوب‌تر است؛ چرا که با فرض توانمندی و سیری، آنان اهل جرأت و جسارت می‌شوند و در این فرض کنترل آنان مشکل‌تر خواهد بود! در فرهنگ همه ادیان آسمانی خاصه آیین مقدس اسلام یکی از مهمات محرومیت زدایی است. گذشته از تصریح‌های قرآن کریم در رابطه با تشریح احکام مختلف در جهت تعدیل ثروت و مذمت ثروت اندوزی و پیشگیری از آن از مسیر رباخواری؛ طبعاً رسول خدا در همه ابعاد و سیاست و حاکمیت، بر همین اساس حرکت می‌کند و به نحو خاص در عملکردهای سیاسی آن حضرت

نمود این حرکت بسیار است. مثلاً بعد از هجرت به مدینه و بدو انعقاد جامعه اسلامی به طور رسمی وضعیتی به وجود می‌آید که انصار، مهاجرین بی‌خانمان را در زندگی خود شریک می‌کنند و در جهت رفع تبعیض‌های مالی و اقتصادی با امر ولایی فقیرترین افراد به نام جوویر را برای ازدواج به خانه ثروتمندترین افراد روانه می‌سازد و همین‌طور انفاق‌ها، بلکه ایشارهای خود آن حضرت و خاندان معصومین در رابطه با فقرا گویای همین مطلب است. تا آن جا که قرآن کریم رسماً حضرتش را به اقتصاد در انفاق دعوت فرموده و با تعبیر «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهُمَا كُلَّ الْبَسْطِ...» حضرتش را دعوت به رعایت اقتصاد در انفاق می‌کند. در شأن نزول آیه بعضی مفسرین همانند صاحب مجمع البیان ذکر نموده‌اند که حضرت خاتم الانبیا (ص) در مقابل درخواست سائلی پیراهن خود را هم بخشید و در وقت انجام دادن فریضه نماز، مسلمین در انتظار رهبر خود معطل ماندند و حضرت پیراهنی برای پوشیدن نداشت و لذا آیه شریفه فوق نازل شد. از طرفی نیز ما شاهد مسائل فاخرتر مدیریتی در حکومت نبوی هستیم که امروزه نیز در مدیریت رفتار سازمانی مورد تصریح هستند؛ از جمله «مشاهده در ارزیابی خود»، «انتظار از خود»، «انتقاد از خود» و «هدفگذاری مکرر برای خود» که این‌ها مواردی است که در حکومت رسول خدا (ص) به کمال رسید (رضائیان، ۱۳۷۴، ص ۳۸).

#### ۶. اعتنا به آرای جمعی و شور و مشورت

در حکومت‌های استبدادی یکی از مشکلات، بلکه ریشه بسیاری از مشکلات مدیریتی و اداره جامعه بی‌اعتنایی به نظرات عموم است. همچنین محصور شدن مدیران هر مجموع‌های در افراد و آرای خاص طبعاً مستلزم عملکرد در حدود خواسته‌های همان افراد است. هر چند ممکن است در مواردی وضع غیر از این باشد، لیکن محفوظ ماندن مدیر یک مجموعه از این خطر کار آسانی نیست. متأسفانه در بسیاری از موارد حتی اطلاع‌رسانی برای رده‌های مختلف مسئولین گرفتار همین مفسده است. در سیره رهبران الهی و نبی اکرم (ص) که مورد بحث

- 
- 1 . Self – evaluation
  - 2 . Expectation
  - 3 . Self – Criticism
  - 4 . Goal Setting
  - 5 . Collective opinion
  - 6 . Despotism Governments
  - 7 . Performance

است، این چنین نیست. در توجه به نظر و رای عموم از ناحیه رسول خدا(ص) می‌توان نمونه‌هایی را مطرح کرد؛ مثلاً در قرآن کریم به حضرت چنین توصیه شده است: «و شاورهم فی الامر» البته مشخص است که بعد از لحاظ آرای مختلف، نیاز به نوعی ارزیابی و در نهایت تصمیم‌گیری است که مدیریت صحیح باید آن را عمل کند و با توکل به خداوند وارد عمل شود نه این که با مواجهه آرای مختلف سردرگمی حاصل شود؛ زیرا نتیجه آن از دست رفتن فرصت‌ها است. لزوم شور و اعتنا به آرای عموم در تصمیم‌گیری‌ها به معنای نادیده گرفتن نظرات و فرهیختگان متقی جامعه نیست، بلکه شور و مشورت با عموم و توجه به آنان، مدیریت را از حصرگرایی مذموم و مخصوصاً خودمحوری و خودی‌کامگی خارج می‌سازد و این مهم امروزه نیز در نظریات اخیر مورد تصریح بوده است و در حقیقت نوعی بالا بردن ظرفیت خویش را از طریق استفاده از اندیشه‌هاست (آنکونا، ۲۰۰۰، ص ۱۱۹).

#### ۷. فروتنی و تواضع در جهت اهداف الهی

متأسفانه در برخی افراد، پست‌های مدیریتی، موجب خود برتر بینی و تکبر می‌شود. کبر در هر کس مضموم و ناپسند است، مخصوصاً در مدیریت‌ها که شخص سمت و مسؤولیت را که باید وسیله خدمت به مردم باشد، ابزار فخرفروشی و کبر و نتیجه ظلم بر مردم قرار دهد. پیامبر گرامی اسلام که در همه امور و حالات تابع قرآن کریم می‌باشد، در این کتاب مقدس، به این تعبیر خطاب شده است: «واخفض جناحک...» که فرمان عام در همه امور و عملکردهای حضرت است و نشان عالی‌ترین مرتبه تواضع آن حضرت در مقابل رعایا و بندگان خداوند و در سیره آن حضرت این وضعیت همیشه حاکم بوده است. نوع حرکت و حتی نشستن در جلسات عموم و یا سلام کردنش بر اطفال در همان دوران اوج قدرتش دلیل بر این مطلب است. نکته دیگر در مبانی مدیریت جدید این است که بین تناسب رفتار مدیر با منابع انسانی و روحیه وفاداری آن‌ها و تعهد سازمانی رابطه مستقیمی وجود دارد که اساس آن بر شناخت مدیر و تواضع بجای اوست (فروزنده، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰).

#### ۸. جوان‌گرایی

در مدیریت‌ها و خصوصاً در حکومت‌ها، یکی از عوامل مشکل‌زا درک نکردن دوره خاص جوانی افراد زیر مجموعه است. بخش جوان و شاداب مجموعه یک اداره و یک حکومت، اگر به شادابی و طراوت خاص خودش به کار گرفته شود، تأثیر مثبت و نقش آفرینی برای خود و

کل مجموعه خواهد داشت؛ اما در بعض مدیریت‌ها این موقعیت قابل توجه نیست و درست درک نمی‌شود و یا کم‌تر به آن اعتنا می‌شود و در نتیجه برخی جوانان خود آگاه و یا از روی غفلت به تباهی و فساد کشیده می‌شوند. در حکومت‌ها اهتمام به نیازهای جوانان در ابعاد مختلف مادی و فکری و فرهنگی باید در صدر همه برنامه‌ها و یا اقلأ در ردیف بسیاری از مهمات باشد و غفلت در این موضوع، طبعاً خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت که نیاز به استدلال ندارد. نبی بزرگوار اسلام (ص) به جوان و دوره جوانی در حد بالای توجه داشته است. اخلاق و آداب و روابط اجتماعی او این مهم را ثابت فرموده است. از باب نمونه، انتخاب فرماندهی جوان در روزهای پایانی عمر آن حضرت برای جنگ با رومیان به نام اُسامه بن زید، هرچند با اعتراض بسیاری همراه بود و نیز تأکید بر تبعیت از او گویای همین مطلب است. مصاحبت‌های خاص آن حضرت با جوانان که گاهی هنگام وزنه برداری و ورزش خاص جوانان از آنان دلجویی می‌نمود و این که بسیاری از طرفداران او را در روزهای اول بعثت جوانان تشکیل می‌دادند، ارتباط آن حضرت را با جوانان و اهمیت آنان را به این قشر ثابت می‌کند. همین‌طور در امور سیاسی، جوانان را در حد بالای لحاظ فرموده که حتی در فرماندهی بر سپاهی که برای مبارزه با سپاه روم اعزام می‌شدند، جوانی را همانند اُسامه بن زید انتخاب فرمود و با این که این امر و تن دادن بعض بزرگان به این فرمان سنگین آمده بود حضرت بر ابقا و فرماندهی او تأکید کرد.

#### ۹. مردم‌گرایی

اگر زیر دستان و مردم نسبت به کسی که بر آنان حکومت می‌کند و یا به نوعی بر آنان نفوذ دارد، احساس کنند که صرفاً فرمانده آنان نیست، بلکه در همه مسائل مخصوصاً در سختی‌ها و گرفتاری‌ها همراه آنان است، تدبیر و حکومت او را براحتمی می‌پذیرند (بر خلاف آن که مرامش راحت طلبی است و فرصت‌های رفاه و آسایش را مغتنم می‌داند و در صحنه مشکلات جای او خالی است) در چنین فرضی مدیر مسؤول رنج و سختی را هم درک نمی‌کند تا در رفع و دفع آن تدبیر و همت نماید. تاریخ گواه این مسأله است که چون مدیریت نوعی ادراک متقابل مدیر و فرودستان است، بینش مردم‌گرایی و همدلی در مدیریت هر چه قوی‌تر باشد، عامل بصیرت‌یابی و بصیرت‌جویی انسان خواهد بود (سیدعباس زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

پیامبر عالیقدر اسلام در شعب ابی طالب در کنار آن همه سختی‌گرستگی‌های جانکاه در میان یاران و پیروان خویش قرار داشت و اگر در میادین جنگ حلقه‌های محاصره دشمن تنگ و

سخت می‌شود، آخرین مدافع از حریم اسلام و قرآن شخص پیامبر(ص) است؛ چنان که در غزوه احد حتی بعد از ترک برخی فریب‌خوردگان دنیا، میدان نبرد را حفظ نمودند و یا در زمان حفر خندق دفاعی اطراف شهر مدینه در حال روزه‌داری، حضرتش را در کنار سایرین و همکار آنان می‌دیدند. این‌ها در حقیقت مواردی از یک رهبر مقتدر، قاطع، انسان شناس و رهبر تمام عیار است.

#### ۱۰. شکیبایی در جهت تحقق هدف

یکی از اسباب و رمزهای موفقیت، استقامت و پایداری در برخورد با عوامل و مسائل ناهنجار و گرفتاری‌هاست و عمدتاً استقامت مجموعه در حد بسیار بالایی مربوط به صبر و بردباری مدیر و فرمانده مجموعه است. پایداری او، فرمانبردارانش را به استقامت و پایداری سوق می‌دهد و بالعکس کم‌ترین بی‌تابی و کم‌حوصلگی در مدیر، مجموعه را متزلزل و ناتوان می‌کند. یکی از شاخصه‌های بارز در نبی اکرم(ص) صبر و بردباری آن حضرت طی ۲۳ سال مخصوصاً ۱۰ سال قبل از هجرت بود که در انواع سختی‌ها قرار گرفت. از کمبود و فقر و تنگدستی تا تحمل ناملایمات حتی از دوستان ظاهری و منافق و همین‌طور همه‌های کفار و مشرکین که در جمعیت‌های نابرابر، اساس اسلام را تهدید می‌کردند. تمام این مشکلات را تحمل فرمود در عین حال لحظه‌ای از پای ننشست و فرمان‌خدایش را که به او فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ» (هود، ۱۱۲)؛ تا آخرین لحظات توان و زندگی‌اش بر پای داشت.

#### ۱۱. اهتمام به ارشاد در مسیر سعادت

در بعض موارد رهبران و مدیران اجتماعی آن چه را در قلمرو مدیریت و حکومت خود می‌نگرند صرفاً اداره کردن و انجام دادن مسئولیت در حد گذران دوران مدیریت آن‌هاست؛ لذا نسبت به امور مختلف فکری، فرهنگی و اعتقادی جامعه و افراد تحت مدیریت خود، خارج از محدوده اداره و از آن مهم‌تر برای دوران آینده و زمان بعد چندان التفات و توجهی ندارند، در حالی که رهبران الهی عموماً انسان را به عنوان موجود ابدی و جاودان در دوران مدیریت و رهبری خود پرورش می‌دهند.

اهتمام به هدایت و ارشاد انسان‌ها از ناحیه رسول خدا(ص) در آن حد است که در چند مورد خداوند در قرآن کریم، آن حضرت را از رنج بیش از حد در این مورد باز می‌دارد. در ابتدای سوره مبارکه طه می‌خوانیم: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه، ۱).

به بیان دیگر: مدیریت و حاکمیت پیامبر اسلام (ص)، بلکه همه انبیای الهی در جهت تزکیه و تهذیب و تربیت انسان‌هاست. به تعبیر قرآن کریم: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۱۶۴).  
 به هر حال، پیامبر اکرم (ص) ضمن این که به عنوان ولی بر مومنین لازم الاطاعه است: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله ورسوله واولی الامر منکم»؛ به فرمایش امیر المؤمنین در نهج البلاغه «طیب دوار بطبه» می‌باشد؛ یعنی پیامبر پزشکی است که برای درمان بیماران سیار است (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸) است و دعوت کننده به راه خدا آن هم با جوهره حکمت و علم و موعظه نیکو است و مطیع این امر قرآنی است که می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ». (نحل، ۱۲۵) و هیچ‌گاه برنامه رسالت هدایت و رهبری فکری مردم را رها ننموده است.

### ۱۲. استبداد ستیزی در مدیریت و فرماندهی

یکی از ابعاد مشخص و مبرهن در مدیریت و حکومت‌ها، خودکامگی شخص حاکم و مدیر و گاهی اطرافیان و نزدیکان مختلف آنان است. در بعض افراد کم ظرفیت ریاست طلبی که ریشه در کبر و خودپرستی دارد، به نوعی جلوه می‌کند که که ملاکی جز همین حالت در اعمال و رفتارشان در عرصه مدیریت و حکومت نیست و هر چه آنان بخواهند باید عمل شود. در راستای این روحیه، ملت‌ها و افراد تحت نفوذ آنان به هر مشکلی مبتلا شوند، برای آن‌ها ناگوار نخواهد بود و نه تنها در این جا شور و مشورت با دیگران که قبلاً اشاره شد مطرح نیست، بلکه عملکرد مستقل آنان هم ملاک و ضابطه ندارد. خواست و ریاست و نفوذ اوست که تعیین کننده است و این روش با مدیریت هیچ مسؤول الهی تناسب ندارد؛ چرا که در مدیریت‌های الهی، اساس، اراده خداوند و مصالح مردم در همان راستاست نه چیز دیگر، و در تاریخ زندگی نبی گرامی اسلام (ص) شاخصه عمده همین است و اگر در موردی حتی برخی مامورین از ناحیه آن حضرت نوعی خودکامگی می‌کردند، رسماً با رویه و عملکرد او برخورد می‌شد؛ چنان که در جریان دستور یکی از فرماندهان سپاه آن حضرت که به آنان دستور می‌دهد وارد آتش شوند وقتی حضرت با خبر شد فرمود: «لا طاعه فی معصیه الله انما الطاعه فی المعروف؛ در مسیر خلاف و معصیت الهی اطاعت و پیروی کردن نیست» (نسائی بی تا، ص ۱۶۰). اطاعت و لزوم آن در جایی است که معروف و پسندیده باشد؛ یعنی این که فلان شخص چون امیر است باید در همه حال از او اطاعت کرد، این امری است غیر قابل قبول.

### ۱۳. تنبیه متخلفین و کارشکنان از طریق نفرت عمومی

برای پیشگیری از تخلف در جوامع مختلف راه‌های گوناگونی وجود دارند. یکی از برنامه‌هایی که در اداره مجامع و برای پیشگیری از جرم قطعاً موثر می‌باشد، این است که شخص متخلف مورد اعتراض عمومی واقع شود و تنها شخص مدیر و حاکم بر مجموعه از او بازخواست ننماید. این که امر به معروف و نهی از منکر در آیین مقدس اسلام در آن حد بالا مورد توجه قرار گرفته است، به دلیل تأثیر روانی برخورد عمومی در برابر منکرات و ترک وظایف است. در حکومت نبی اکرم (ص) می‌بینیم که اگر افرادی از انجام دادن وظیفه سرباز زدند و از شرکت در جریان دفاع دریغ کردند با عکس‌العمل عمومی مواجه می‌شدند.

در جنگ تبوک جمعی شرکت نکردند و سرانجام مسلمین در این جنگ پیروز برگشتند. رسول اکرم (ص) وقتی به مدینه رسید، متخلفان از جهاد را در محاصره و انزوا قرار داده و فرمود تا مردم با آنان قطع رابطه کنند و کسی با آنان و حتی با زنان و فرزندانشان سخن نگوید (بهرام پور، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲).

البته این جمع بعداً توبه کردند و توبه آن‌ها هم پذیرفته شد و مجدداً به جمع مردم بازگشتند.

### ۱۴. مدیریت بر مبنای مساوات و برابری و برادری

یکی از شگردهای عالی در مدیریت رسول اکرم (ص) این بود که در میان طوائف مختلف و قبائلی که به جهات مختلف ابراز ناهمگونی می‌کردند و حتی دورانی با یکدیگر در جنگ و نزاع بودند، در پرتو ایمان به خدای واحد و توحید ایجاد اخوت و برادری نمود و گذشته از این که شرافت‌های واهی و بی‌اساس مورد تصور آنان را نادیده گرفت، به طور رسمی با پیوند اخوت و برادری هم زمینه‌های تضاد و درگیری آنان را از بین برد؛ مثلاً زمانی که مهاجران قریش یا عرب‌های عدنانی در شهر عرب‌های قحطانی (انصار) جمع شدند، ممکن بود بین آنان اختلافات کهنه برانگیخته شود. پیغمبر (ص) برای آن که این دو دسته (مهاجران و انصار) را از هر جهت با هم متحد سازد، میان آنان عقد برادری بست و هر مهاجر برادر یکی از مردم مدینه گردید؛ امّا علی (ع) را با خود برادر ساخت و گفت تو در دنیا و آخرت برادر من خواهی بود (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۶۷). ارزش این عملکرد از ناحیه مدیران اجتماعی در پیشبرد اهداف جمعی برای هیچ کس قابل انکار نیست که بین افراد مجموعه میثاق و پیمان یگانگی و وحدت بسته شود.



## نتیجه

در هر مجموعه و تشکلی، دستیابی به اهداف و آرمان‌ها معلول عوامل مختلفی است و عاملی که مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند، مدیریت است.

از آن‌جا که آیین مقدس اسلام آیین جامع و کاملی است؛ در این مقاله سعی گردید تا با شیوه مدیریت سیاسی حضرت رسول آشنا شویم و این مدیریت با رهبری و مدیریت شخص پیامبر (ص) در کم‌ترین دوره از زمان، چشمگیرترین ارمغان را نصیب بشریت نمود. در آن زمان وضع به گونه‌ای بود که خوردن اشیای ناپاک، خونریزی، کشتن دختران بی‌گناه امری عادی می‌نمود. در این زمان بود که نور مبین اسلام با رهبری رسول خدا (ص) در میان چنین جمعیت و فرهنگی جلوه‌گر شد و آن چنان وضع را دگرگون کرد که روحیه ایثار و فداکاری، رأفت و رحمت، علم و حکمت، برادری و برابری و همه فضایل بالای انسانی جایگزین همه زشتی‌ها گردید و نه تنها در منطقه نزول وحی و بعثت که گرمی و روشنایی این نور دورترین اُفق‌ها را روشن نمود و هر چند اصل همه این موفقیت‌ها در یک کلمه حقانیت و الهی بودن آیین نورانی اسلام و رهبر عالیقدر آن است؛ اما به طور خاص شیوه مدیریت و عملکرد رسول خدا (ص) نیز در این بین مؤثر بوده است. بدون شک اگر در اجرا و پیاده کردن مفاد وحی الهی حضرتش شیوه‌های ناصحیح به کار می‌گرفت، کم‌ترین برکت از آثار حاصله انجام نمی‌شد. برای این که مدیران و سیاستمداران رمز این موفقیت را بهتر بشناسند و در عملکردها سر لوحه کاری آنان باشد، در این مقاله به ۱۴ مورد از شاخصه‌های عمده مؤثر در این موفقیت اشاره نموده، هر چند عوامل توفیق آن حضرت منحصر به این امور نیست.

## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
۱. انصاری، محمدعلی، دعاکی، حبیب‌اله، مرتضوی، سید سعید (۱۳۸۰)، "مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن"، تهران، آگاه.
  ۲. بخاری، محمد اسماعیل، صحیح بخاری (بی تا) ج ۱، بیروت، دار المعرفه للطباعه و النشر.
  ۳. بهرام پور، ابوالفضل (۱۳۸۲)، "نسیم حیات"، تهران، هجرت.
  ۴. جعفریان، رسول (۱۳۷۳)، "تاریخ سیاسی اسلام"، ج ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
  ۵. سبحانی، جعفر (۱۳۵۱)، "فروغ ابدیت"، ج ۱، قم، دارالتبلیغ اسلامی.
  ۶. سیدعباس زاده، میرمحمد (۱۳۷۸)، "مسایلی در مدیریت دولتی ایران"، ارومیه، دانشگاه ارومیه.
  ۷. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، "سنن نسائی"، با شرح حافظ، ج ۴، بیروت، دارالقلم.
  ۸. شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۲)، "تاریخ تحلیلی اسلام"، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
  ۹. فروزنده، دهکردی، لطف الله (۱۳۸۵)، "مدیریت استراتژیک"، تهران، دانشگاه پیام نور.
  ۱۰. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۹)، "تاریخ پیامبر اسلام"، آیتی محمد ابراهیم با تجدید نظر و اضافات، تهران، دانشگاه تهران.
  ۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، "تفسیر نمونه"، ج ۲، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
  13. Anoon. D.G & Caldwell, D.F (2002) "Beyond external depondence inproduct development teams", High tech. manage. Res. Boundry spannine: manging vol.1
  14. Dubrin, Andrew J. (1995) "Leadership, Findings Practice & Skill" , Macmillan,
  15. Locke & Latham, (1990) "Atheory of Goal Setting & task Performance", Englewood Cliff.